

تحفة الفاطمیین فی تاریخ قم و القمیین

تألیف حسین بن محمد حسن قمی

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش سیزدهم

شاهزاده [ابو] احمد علیه السلام

بقعه^۱ مبارکه این امامزاده واقع است در خارج دروازه ری طرف شمالی شهر قم، قرب

۱. بنای بقعه شاهزاده احمد یا ابواحمد در بیرون دروازه ری در شمال شرقی قم، یعنی نزدیک فلکه شاه سید علی، در کنار بلوار شاه سید علی (پانزده خرداد فعلی)، در میانه بقاع چهار امامزاده و بقعه شاهزاده سید علی واقع است که به همین لحاظ به «امامزاده میانی» یا «امامزاده وسطی» نیز، شهرت دارد و مدفن ابواحمد محمد از احفاد حضرت علی علیه السلام است. این بنا از آثار کهن و قدیمی و اصیل شهر قم است که در سال ۹۳۲ قمری تجدید بنا و تزیین شده و دارای بقعه‌ای متضمن آثار هنری از گچبری و مرقدی کاشی‌کاری شده است که به مرور زمان تعمیراتی در آن انجام گرفته است.

قاعده گنبد بقعه از خارج هشت ترکی بانمابندی آجری و از داخل به صورت مربع متساوی الاضلاع، به دهانه شش و ارتفاع هشت متر است که در هر ضلع، شاه‌نشینی به دهانه سه و عرض یک متر ساخته شده است و تنها از شاه‌نشین شرقی آن دری به خارج گشوده می‌شود. ازاره بقعه به ارتفاع ۷۵ سانتی‌متر، از خشت‌های سیمانی تعمیری به جای خشت‌های مسدس باستانی است و بالای آن تا دو متر و نیم سفیدکاری ساده است که سابقاً آراسته به آثار گچبری بوده و از تزیینات قدیم آن فقط در سینه اسپر ←

شاهزاده سید علی و صحن محقری دارد و از اولادهای حضرت محمد حنفیه علیه السلام است و نسب شریف او بدین طریق است: ابو محمد احمد بن عبیدالله بن جعفر بن عبیدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام.^۱

در تاریخ قم، مذکور است که ابو محمد احمد، در قم ساکن بود و وفات نمود و از او کسی باز نماند و او را به مقبره مالک آباد نزدیک آن قبه که بر مردگان نماز می خوانند، دفن کردند.^۲

→ شاه نشین شمالی و جنوبی برای نمونه دو ترنج گچبری فلکه ای، متضمن نقشه گل و بوته توأم با گره کشی با طرز جالبی باقی است.

در میانه بقعه، ضریحی مشبک از چوب و در دل آن مرقدی به ارتفاع ۱/۲۰ و طول دو و عرض یک متر است که چهار بدنه و سطح آن آراسته به کاشی های معرق شفاف و خوش رنگ عهد صفویه است. در قسمت های بدنه و سطح مرقد، کتیبه ای به خط ثلث سفید از کاشی خستی است که روی آن، آیات و عباراتی به تاریخ ۹۳۲ قمری خوانده می شود و در طرف شرقی و برابر در ورودی نیز، کتیبه ای از کاشی معرق، اشاره به نام شاه طهماسب حسینی موسوی صفوی دارد که اکثر کاشی های آن فرو ریخته و فقط روی جدار باقی مانده است. صحنی نوساز، به مساحت ۳۴ در ۱۸ متر، در جلوی ایوان این بقعه واقع شده است.

۱. در مورد نام و نسب شاهزاده احمد یا ابواحمد محمد، در منابع، به اختلاف سخن به میان آمده است که در جای خود، اشاره خواهد شد.

۲. تاریخ قم، ص ۲۳۵. در این تاریخ موضوع آمدن نوادگان محمد بن حنفیه به قم، چنین بیان شده است: «و دیگر از فرزندان محمد بن علی بن ابی طالب معروف به ابن حنفیه به قم آمدند». سپس می افزاید: «... بعد از آن احمد بن محمد با پسرش علی بن احمد از ری به قم آمدند و پس از مدتی دیگر باره، احمد بن محمد بادی معاودت نمود و به ری وفات یافت و پسرش به قم ساکن بود و وطن ساخت و به قم از امهات اولاد، هفت پسر آورد، محمد و حسین و احمد و حسن و طاهر و حمزه اعنی ابوالقاسم و اسماعیل و پنج دختر ... و بعد از آن محمد بن ... به ری رفت و ساکن شد». آنگاه اضافه می کند: «و هم از مهدیه از فرزندان جعفر بن محمد بن علی بن ابی طالب که از کوفه به قم آمدند، ابواحمد عبیدالله بن احمد بن جعفر بن عبیدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب است و ابوالقاسم مهدی آورده است: که ابواحمد از کوفه به قم آمد و مدتی به قم ساکن بود، پس وفات یافت و از او کسی باز نماند و او را به مقبره مالک آباد در قبه آجریه که به نزدیک آن قبه بر مردگان نماز می کنند، دفن کردند». بر این اساس در چاپ فعلی تاریخ قم، نام این شاهزاده عبیدالله و کنیه او ابواحمد است نه ابو محمد احمد که مؤلف از تاریخ قم نقل کرده است (همچنین نک: انوار المشعشعین، ۴۵/۱ و ۶۰/۲). کچویی سپس می افزاید: «مدفن این ابواحمد محمد بن عبدالله که فرمود در مالک آباد می باشد، مذنون آن است که همین امامزاده که بقعه او در بیرون شاهان و خارج دروازه، نزدیک به بقعه شاه سید علی مذکور است، مدفون در آن همان محمد بن عبدالله مذکور باشد و در لوح آن نوشته اند: شاهزاده احمد بن محمد بن حنفیه؛ لکن این مطلب سهواست، بلکه اسمش محمد است و شهرتش به احمد شاید سببش آن باشد که کنیه او ابواحمد است. چنان که از تاریخ قم مستفاد شد و رفته - رفته به مرور ایام کنیه او غلبه پیدا کرده و مشهور شده به شاهزاده احمد و نسب شریف او از این قرار است: ابواحمد محمد بن عبدالله جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن حنفیه بن امیرالمؤمنین علیه السلام (همان، ۶۱/۲ و نک: گنجینه آثار قم، ۶۱۰/۲ - ۶۱۷؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۵۱ - ۱۵۲؛ تربت پاکان، ۹۲/۲ - ۹۵).

شاهزاده طیب و شاهزاده طاهر علیهما السلام

بقعه مبارکه این دو نفر امامزاده واقع است در خارج شهر از طرف دروازه ری، در محلی که از آنجا الی شهر قم یک فرسخ مسافت دارد.^۱

۱. این آرامگاه در کنار راه قم به سراجیه واقع و نام آن در کتاب خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، ضمن وقایع سال ۹۹۴ قمری آمده است. سبک بنای آرامگاه، شبیه بناهای قرن هشتم هجری منطقه است. قاعده بنا از خارج هشت ضلعی آجری نمابندی و از داخل به صورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه شش و ارتفاع دوازده متر، دارای چهار شاه نشین به دهانه سه و عرض یک متر است که از هر شاه نشین، دری به خارج گشوده می شود. تنها ازاره بقعه، به ارتفاع یک متر کاشی کاری خشتی فیروزه فام تعمیری دارد.

گنبد این مزار، برجی هرمی شانزده ترکی به قطر هشت و ارتفاع نه متر با گردنی به ارتفاع دو متر است که با کاشی تزیین شده است. نمای داخلی بنا نخست چهار گوشه با درگاه هایی در چهار سو است که در بالا به هشت ضلعی و سپس در قاعده گنبد به شانزده ضلعی تبدیل شده است. در این قسمت اخیر، چهار هواکش تعبیه گردیده است. بعد از این قسمت پاکار گنبد عرقچینی واقع است. مرقد به درازا و پهنای ۲ در ۳ و ارتفاع ۱/۲۰ متر در وسط بنا قرار دارد و با کاشی معرق لاجوردی آراسته شده که بی هیچ تردیدی از آثار قرن دهم هجری است. گرداگرد این کاشی ها، صلوات کبیر به خط ثلث طلایی، درون ترنج هایی نوشته شده است. کاشی کاری خشتی بدنه، نو و فاقد ارزش تاریخی است. ایوان مقرنس شرقی بقعه، کتیبه ای کمر بندی بر کاشی خشتی از دوره قاجار (۱۲۸۱ قمری) در بر دارد (بناهای آرامگاهی، ص ۱۷۹).

فیض گوید: «اما بقعه مورد توصیف از آثار باستانی است که نخست برهنه از بیوتات بوده است و این رواق ها و ایوان ها و صحن ها و حجرات و گلدسته ها بعداً به مرور بر آن افزوده شده اند ... بالای آن شانزده صغه ساخته شده که چهار تایی آنها میان تهی و هواکش اند و بقیه توپراند و روی آنها هیئت ساختمان فلکه ای شده، پاتاق پوشش عرقچینی بالا رفته است و در قسمت قوسی پوشش، تصویراتی نامتناسب ترسیم گردیده است. در مرکز خورشیدی به صورت بشر دارای زلف و دو چشم و ابرو و چانه و دهان و پیرامون آن چند آهو با آهو بره و چندین سگ شکاری و طوطی و کبوتر با جوجه های شان نقاشی و در مواقع مختلفه اسامی پنج تن نوشته شده است ... در جانب جنوبی بقعه مسجدی است متشکل از دو چشمه با جدار آجری و طاق تخت خفته رسته، تیر آهنی و نوبنیان که کف آن با خشت های ۶۰٪ در ۴۰٪ فیروزه فام باستانی عصر صفویه فرش شده است. چنان که سطح مرقد هم بدین گونه خشت ها مفروش بوده است و در جهت شمالی بقعه دو رواق نوساز قرار دارد که آن مسجد با این رواق ها و ایوان غربی و صحنین و گلدسته ها از الحاقات هیئت دعای کمیل تحت سرپرستی و نظارت آقای حاج آقا حسین تکیه، بنیاد گردیده اند ... در طرف شرقی بقعه صحنی است نوبنیان زیر حجره سازی و سعت آن ۴۰ در ۲۸ متر و در جهت غربی بقعه، صحن دیگری نیز است جدید الاحداث، به سعت ۲۳ در ۱۸ متر با سه حجره جنوبی و درب ورودی برابر راهی که از جاده نفت سراجیه، جدیداً منشعب شده است و در جانب شرقی این صحن یک ایوان و دو حجره ساخته شده است که ایوان مزبور در غرب بقعه قرار دارد. این ایوان به دهانه ۳/۵ و طول پنج و ارتفاع پنج متر با جرزهایی از آجر تراش و جدار آجری پوشش خفته رسته و تخت و تیر آهنی است و در گلوبند آن کتیبه ای است سه جانبی از کاشی خشتی

این دو نفر امامزاده هر دو در یک مرقد و یک ضریح مدفونند و دارای بقعه بزرگی و صحن کوچکی می‌باشند و گنبدی دارد که روی آن کاشی است از نبایر و نتایج حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام می‌باشند؛ اما معلوم نیست که چند پشت [شان] به امام می‌رسد و در السنه و افواه مشهور است که امامزادگان جلیل‌القدری می‌باشند و بعضی کرامات هم از ایشان دیده شد [است].^۱

شاهزاده جمال علیه السلام

بقعه این امامزاده واقع است در خارج شهر قم از طرف دروازه معصومه علیها السلام جهت جنوبی

→ زمینه لاجوردی به خط ثلثی سفید که روی آن عبارات ذیل نوشته شده است: «باسمه تعالی، در مجلد دوم انوار المشعشعین است که طیب و طاهر در قم حسین و محسن هستند و نسب آنها این است: حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی اصغر بن زین‌العابدین علیه السلام و محسن پسر اوست که ملقب به طیب و طاهر و بقعه دیگری می‌باشد نزد آنها که چهار زن در آن مدفون‌اند: خدیجه خاتون و سکینه خاتون و فاطمه خاتون و رقیه خاتون احضار سیدان مرین‌اند و محتمل است دختران محسن بن حسین مذکور باشند.

بحمدالله به همت جمعیت دعای کمیل و ندبه و سمات قم بنای صحن بزرگ و تعمیرات این بقعه در ماه ذی‌حجه سال ۱۳۷۹ انجام شد. شهاب‌الدین التنجفی (قم کبیری) این کتیبه از چهار لحاظ شایسته بررسی است:

یکی اینکه در کتابت عبارات (احضار سیدان مرین) اشتباه است و صحیح آن (احفاد سیدان مذکورین) می‌باشد و دیگر اینکه ادعای دفن حسین و محسن در این بقعه ناشی از عدم تتبع و تعمق مؤلف کتاب مزبور است؛ زیرا که این دو به طیب و طاهر ملقب نبوده‌اند، چه طیب و طاهر همان فرزندان علی برطله متولد در آوه می‌باشند و پوشیده نیست که آیت‌الله مرعشی نجفی فقط به نقل مراتب از کتاب مزبور بدون اظهار نظر در صحت و سقم آن پرداخته‌اند و مسئولیت معظم له محدود به صحت نقل است که در صحت منقول سرایت نمی‌کند. دیگر اینکه برخلاف نظر مؤلف مزبور که چهار زن در بقعه دیگری نزدیک این بقعه مدفون هستند، شگفت‌انگیز و اجتهاد در برابر نص است؛ زیرا در بقعه مورد نظر دو مرد و پنج زن که همگی از احفاد امام کاظم علیه السلام هستند، مدفون‌اند؛ یعنی هفت نفرند نه چهار نفر! و پنج زن و دو مرد هستند، نه چهار زن! و از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام هستند و نه امام سجاد؛ چنان که مؤلف ادعا کرده است» (گنجینه آثار قم، ۴۹۶/۲ - ۵۰۴ به اختصار).

۱. برخلاف نظر برخی که گفته‌اند در این گنبد یک نفر از سادات موسوی به نام ابوالطیب طاهر بن حسین قطعی بن موسی ابی‌السبحه بن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم علیه السلام مدفون است و همچنین ادعای کوچونی در انوار المشعشعین که مدفونین در این بقعه، دو تن، یکی ابوالعبدالله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام زین‌العابدین و دیگری فرزندش محسن می‌باشند، باید گفت که ابوالعباس طیب و ابوالحسین طاهر از فرزندان ابوالحسن علی برطله بن ابی‌عبدالله حسین مزبور هستند که از آوه به قم آمده و متوطن شدند و در همین شهر وفات یافتند و در این مکان و در همین بقعه به خاک سپرده شدند، نه جد و عم ایشان حسین و محسن (نک: گنجینه آثار قم، ۴۹۷/۲).

شهر، از آنجا تا شهر قم نیم فرسخ مسافت دارد^۱ و از احفاد حضرت امام زین العابدین علیه السلام می‌باشند؛ اما نمی‌دانم که چند پشت [ایشان]، به امام می‌رسد و قبر مطهرش محل زیارت عموم و ناس از عوام و خواص است و کرامات بسیار از ایشان دیده و شنیده شده است.^۲

۱. بقعه معروف به «شاه جمال»، در چهار کیلومتری جنوب غربی قم کنار جاده اراک که در واقع بین جاده قم به اراک و کمربندی قم واقع شده است و دارای چهار ایوان و دو صحن و یک باغچه مصفاست، نهری منشعب از رودخانه، از درون آن جریان داشته است. از سبک بنای آن، چنین به دست می‌آید که این بقعه همان بنای اولیه‌ای است که بر فراز تربتش بنیان شده؛ ولی ایوان‌ها بعداً بر آن افزوده شده‌اند و جدار آن از خشت و گل است. قاعده گنبد از خارج برجی و از داخل به صورت مربع متساوی‌الاضلاع به دهانه شش و ارتفاع هشت متر می‌باشد که در هر ضلعی شاه‌نشینی به دهانه چهار و عرض ۵۰ سانتیمتر ساخته شده و از هر یک دری به خارج گشوده می‌شود و جلو هر درگاهی ایوانی ساخته شده است و در چهار زاویه بقعه، نیم طاقی بالا آورده‌اند که صورت چهار ضلعی را به هشت ترکی نامحسوسی تبدیل ساخته با چند رسمی‌بند، آن را به صورت فلک‌های درآورده پطاق پوشش عرقچینی آن را بالا برده‌اند و جدار بقعه گچی و آبی‌رنگ و بدون کتیبه و تزیینات هنری است.

در وسط بقعه، ضریحی مشبک و زیبا از چوب و در دل آن مرقدی آراسته به کاشی‌های فیروزه‌فام تعمیری قرار دارد. در چهار جانب بقعه ایوانی است از آثار علی‌خان سنقری (معروف به علی‌خان ریش‌بلند که از جانب اعتضادالدوله، نایب‌الحکومه قم بوده است) و جلو هر یک محوطه‌ای اعم از صحن و باغچه، نمودار است. در جانب شرقی بقعه نیز، برکه‌ای است از آثار همان علی‌خان مزبور.

بر فراز مدخل بقعه از ایوان شمالی یک پارچه کاشی ۵۰ در ۵۰ سانتیمتری نصب شده است که روی آن تصاویر نشسته‌ای از امیر مؤمنان علی و حسنین علیهم السلام در حالی که سلمان، ابوذر، مقداد و قنبر، در پشت سرشان به پایستاده‌اند و شیری در پیش آنان غنوده است، نقاشی و پایین آن جمله: «عمل اسدالله» خوانده می‌شود و بر فراز بقعه گنبدی است عرقچینی آجرپوش و در مرکز آن گنبدچه‌ای است شلجمی و جره‌ای سراپا آراسته به کاشی‌های گرهی الوان که روی آن به خط بنّایی، نام جلاله و اسامی محمد و علی با کاشی‌های الوان خوانده می‌شوند (گنجینه آثار قم، ۵۱۹/۲-۵۲۲).

در سال ۱۳۸۰ شمسی، بانوی خیراندیشی از کویت، مخارج نوسازی بقعه، گنبد و صحن و ایوان این شاهزاده را متقبل شده، از این رو گنبد و بارگاه یاد شده، ویران و از آن تاریخ تاکنون یعنی ۷ مهر ۱۳۸۴ که مشغول نوشتن این سطور هستم، در حال ساخت است و بنای جدید آن به اتمام نرسیده است.

۲. در مورد نام و نسب این امامزاده اطلاع دقیقی در دست نیست؛ زیرا شجره‌نامه‌ای ندارد. محمد علی کچویی ضمن بیان اعقاب امام جعفر صادق علیه السلام به اولاد محمد دیباج ابن امام جعفر صادق علیه السلام اشاره دارد که وی سه فرزند به نام‌های علی، قاسم و حسین داشته و علی دو فرزند به نام‌های حسین و حسن داشته و حسین بن علی دارای فرزندی به نام ابو عبدالله جعفر الاعمی بوده و بعضی از فرزندان جعفر، محمد جمال است و از فرزندان محمد جمال، ابوالحسن بن علی بن احمد بن حسین بن جعفر الوحش بن محمد جمال بن جعفر الاعمی بن حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر صادق علیه السلام است.

سپس اضافه می‌کند: «مؤلف گوید: که محمد جمال مذکور احتمال دارد که همان امامزاده‌ای باشد که در قم مشهور است به «شاهزاده جمال». بنابراین نسب شریف او از این قرار است: محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج ابن امام الهمام جعفر صادق علیه السلام. محقق این کتاب آقای محمدرضا انصاری، در پاورقی اشاره می‌کند که این امامزاده در میان مردم قم به شاه جمال مشهور است و آرامگاه او در آغاز راه قم ←

شاهزاده ناصرالدین علیه السلام

اسم این امامزاده ناصرالدین است. از نتایج حضرت امام زین العابدین علیه السلام است. بقعه مبارکه او واقع است در مسجد جمعکران که طرف شرقی شهر قم است و تا شهر قم تقریباً دو میل راه است.^۱

→ - اراک قرار دارد و دارای صحن و سرای نسبتاً وسیع و بزرگی است که در میان این صحن بقعه امامزاده قرار دارد و در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۸۰ شمسی که به تصحیح این کتاب مشغول بودم، روزنامه‌ها اطلاع دادند که بقعه این امامزاده را برای تجدید بنا خراب کرده‌اند (انوار المشعشعین، ۲۲۹/۲ - ۲۳۱).

بنا به نوشته فیض بقعه شاهزاده جمال دیگری، در جهت جنوبی و خارج دهکده لنجرود «لنجرود» سه فرسنگی شهر سر راه کاشان قرار دارد که از خشت و گل بنا شده و در شرف انهدام است و مدفون در آن به عقیده نگارنده (فیض)، شاهزاده محمد بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر الصادق علیه السلام است که زیاده با حشمت و ثروت بود (گنجینه آثار قم، ۵۲۳/۲).

بر این اساس برخلاف آنچه آقای انصاری از نوشته کوچویی استنباط کرده «شاه جمال» واقع در کنار جاده اراک، شاهزاده محمد بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج نیست؛ بلکه بر مبنای نوشته فیض: «در این بقعه به شهادت نام و لقب یکی از شرفای قم، سید ابوالمعالی محمد جمال الدین نقیب سادات قم و آوه در قرن هشتم هجری مدفون است؛ چه لقب جمال الدین از القاب موضوعه قرون وسطی است که در قرون اولیه بدین نام برخورد نمی‌شود و از اینکه قبر وی مزار و دارای قبه و بارگاه شده، استفاده می‌گردد که نامبرده از سادات جلیل القدر بوده است» (گنجینه آثار قم، ۵۲۱/۲).

۱. بقعه این امامزاده در گرگاب جمکران قم و در دهکده هادی و مهدی واقع است. زیربنای بقعه با چهار ایوان و چهار حجره و غرفه، زوایا، دوازده در دوازده متر است و این بقعه به صورت مربع متساوی به دهانه ۶/۲۰ متر و ارتفاع هفت متر، دارای چهار شاه‌نشین هر یک به دهانه سه متر است و از هر شاه‌نشینی دری به ایوان گشوده می‌شود. ازاره آن به ارتفاع یک متر آراسته به کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای یکصد ساله‌ای است که در میانه چهار قاب حاشیه‌ای از کاشی‌های منقش هفت‌رنگ، به عرض ده سانتیمتر نصب شده است و بالای آن به ارتفاع دو متر سفیدکاری ساده و در انتها الیه این قسمت کتیبه‌ای است کمربندی از کاشی خشتی زمینه لاجوردی که تمام شاه‌نشین‌ها را هم زینت بخشیده است و به خط نستعلیق سفیدی قصیده ذیل با ۲۴ بیت روی آن نوشته شده است که چند بیت آن به این شرح است:

به عهد ناصر دین خسرو ستاره خدم	کزو بسیط جهان گشت سبک باغ ارم
سه گوهرند ز نسل چهارمین حجّت	به نام هادی و مهدی و ناصرالدین هم
ز هجرت نبوی بُد هزار و سیصد و پنچ	که زد معاینه این بقعه بر سپهر خیم

در میانه بقعه ضریحی چوبی و مشبک و در پشت آن مرقدهایی است به ارتفاع یک متر که یکی از آنها بزرگتر و مدفن هادی و مهدی و دیگری کوچکتر و مدفن ناصرالدین می‌باشد. چهار بدنه هر دو مرقد و همچنین روی آنها آراسته به کاشی‌های خشتی فیروزه‌فام در قالبی از کاشی‌های منقش به نقشه‌بند اسلیمی و هفت‌رنگ دانه‌نشان عصر قاجار است و گنبد بقعه ساده و قوسی عرقچینی و ساده و آجری ساخته شده است.

بدنه ایوان‌های چهارگانه، سفیدکاری و پوشش آنها ضربی قوسی و هر یک به دهانه چهار و عرض ۱/۸۰ متر و ارتفاع هفت متر، از آن میانه ایوان‌های غربی و جنوبی زیاده مفرح و مصفا می‌باشند. متأسفانه حجره‌ها و غرفه‌های طرفین هر ایوان رو به خرابی می‌رود که به مرمت اساسی نیازمند می‌باشند (گنجینه آثار قم، ۲۹۰/۲ - ۲۹۳؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۶۸؛ تربت پاکان، ۱۶۵/۲ - ۱۶۷).

در کتاب: عمدة الطالب^۱، نوشته است که شاهزاده ناصرالدین، به قم آمد و در قم وفات کرد؛ اما محل دفن او را ننوشته و ظاهراً همین شاهزاده ناصرالدین باشد که در جمعیگان است و نسب شریف او از این قرار است: ناصرالدین محمد بن احمد بن ابی القاسم بن حمزة بن علی بن عبدالله بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام است.^۲

شاهزاده محمد و شاهزاده حسن و شاهزاده قاسم و شاهزاده حمزه علیهم السلام

بقعه این امامزادگان واقع است در مزرعه سیف آباد و این مزرعه واقع است بین مزرعه قمرود و شریف آباد که طرف شمالی شهر قم واقع است و مقدار دو فرسنگ

۱. عمدة الطالب، ص ۲۲۵؛ در اعقاب عبدالله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام نوشته است: «منهم بقم ناصرالدین محمد بن احمد بن ابی القاسم بن حمزة بن زهیر بن احمد بن المحسن بن علی بن ابی القاسم حمزة بن عبدالله المذكور». چنان که می بینید در این کتاب سخنی از وفات وی در قم نیامده است.

کچونی نیز، این مطلب را از همان عمدة الطالب نقل کرده و سپس نوشته است که در مشکاة الادب آمده است که از فرزندان حسین بنفج، احمد بنفج می باشد و هم از برای او فرزندی است، از جمله ایشان ناصرالدین که در شهر قم است و نسب او از این قرار است: ناصرالدین محمد بن احمد بن ابی القاسم حمزة بن عبدالله بن حسین بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله الباهر ابن امام زین العابدین علیه السلام ... الی آخر (انوار المشعین، ۱۸۴/۲).

بر این اساس به گفته صاحب عمدة الطالب، ناصرالدین با دوازده پشت به امام می رسد و بنا بر قول صاحب مشکاة الادب با هفت پشت به امام می رسد، پس وسائط از مشکاة الادب ساقط شده است.

۲. کچونی می نویسد: «پس نسب ناصرالدین به قم، منتهی می شود به محسن بن علی، پس معلوم می شود که از حمزه تا ناصرالدین محمد تمام آنها که در بین سلسله نسب می باشد، در قم بوده اند؛ اما قبور آنها معلوم نیست که در چه موضعی می باشد، مگر قبر ناصرالدین محمد که در مزرعه گرگاب واقع است و از شهر قم تا آن مزرعه قریب نیم فرسخ مسافت می باشد و مشهور است آن موضع به هادی و مهدی و در آنجا دو بقعه می باشد و در یکی از آن دو بقعه سه صورت قبر می باشد و در لوح زیارت نامه آنها نوشته است، یکی ناصرالدین و دیگر هادی و مهدی و می گویند که هادی و مهدی، دو فرزند ناصرالدین می باشند». سپس اضافه می کند که من می گویم احتمال می رود که آن دو پدر و جدش باشند و به لقب مشهور شده باشند، همچنان که ناصرالدین محمد که اسمش محمد است به لقب مشهور شده است (انوار المشعین، ۱۸۴/۲ - ۱۸۵).

فیض نوشته است: «مدفونین در این قبه سه تن به اسامی شاهزاده هادی و شاهزاده مهدی و شاهزاده ناصرالدین محمد از سادات حسینی، از احفاد امام سجادند». سپس می افزاید که چنین به نظر می رسد که هادی و مهدی از فرزندان وی بوده باشند، چنان که مدفونین در گنبد مجاور هم پسر و دختر وی شمرده شده اند (گنجینه آثار قم، ۲۹۰/۲).

الی قم مسافت دارد.^۱

بقعه‌ای است موسع و مروّح و مصفا و دارای گنبدی که بر روی آن کاشی است و طرف جنوب و شمال آن دو ایوان است و جوانب اربعه آن گشاده است و جلو بقعه، صحن وسیعی است که مملوّ از اشجار است. بانی صحن و بقعه و گنبد، مهندس الممالک میرزا زین‌العابدین خان کاشی^۲ است که در سنه یک هزار و سیصد و بیست آن را بنا نموده و در کتیبه بقعه، اسامی مدفونین این بقعه را چنین نوشته: شاهزاده محمد و شاهزاده حسن و شاهزاده قاسم و شاهزاده حمزه و شاهزاده خالد و رقیه، ابناء موسی بن جعفر علیه السلام اهالی آن حدود را در حق مدفونین این بقعه، عقیده تامی است و کراماتی هم از ایشان نقل می‌کنند و ندورات برای خدام آن می‌آورند.^۳

۱. این بنا در خارج دهکده سیف‌آباد قمرود، در چهار فرسنگی شمال شرقی قم قرار دارد و به نظر می‌رسد از آثار دوره صفوی است که در قرن چهاردهم هجری، تزیین و تعمیر شده است. در این بنا شش امامزاده مدفون شده‌اند که همگی از احفاد امام کاظم علیه السلام هستند.

نقشه بنا به صورت چهار ضلعی به طول و عرض ۶/۲۰ و ارتفاع ۱۰ متر است که در هر ضلعی، شاه‌نشینی به دهانه سه و عرض یک متر از قطر جدار بیرون داده‌اند و از هر یک دری به خارج گشوده می‌شود؛ اما درگاه غربی مسدود گردیده است. بر فراز بخش فلکه‌ای بیرونی بنا، گنبد به شکل شلجمی به ارتفاع پنج متر با گردنی استوانه‌ای به ارتفاع دو متر واقع است که بدنه آن با کاشی‌های دوالی گرهی فیروزه‌ای رنگ آراسته شده است. در منتهی‌الیه قسمت مربع داخلی بقعه، کتیبه‌ای گچی به عرض چهل سانتیمتر است که کلیه شاه‌نشین‌ها را هم زینت می‌دهد و به خط نستعلیق برجسته، با ابیاتی، نام و نسب مدفونان و مدح خدام را بیان می‌دارد. این کتیبه نسبتاً جدید است و به همراه تزیینات دیگر، به سال ۱۳۴۳ قمری متعلق است. در جانب شرقی بقعه، تالاری با تاریخ ساخت ۱۳۲۱ قمری، وجود دارد (گنجینه آثار قم، ۶۹۰/۲ - ۶۹۳؛ تربت پاکان، ۱۶۸/۲ - ۱۶۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۷۳).

۲. مهندس الممالک کاشانی، میرزا نظام‌الدین غفاری، فرزند میرزا ابراهیم (۱۲۶۰ - ۱۳۳۳ قمری)، نویسنده و ملقب به نظام‌الدین غفاری. او در برزآباد کاشان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در سال ۱۲۷۵ قمری، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در سال ۱۲۸۴ قمری، به ایران بازگشت و معلم مقرب ناصرالدین شاه شد. او در هنگام عقد قرارداد داری و وزیر معادن، و در سال ۱۳۳۲ قمری، وزیر علوم و وزیر تجارت و فلاح در دولت مستوفی بود. میرزا نظام‌الدین مأمور نقشه‌برداری و ساختن راه تهران - آمل و تهران - قم بوده است. او مدتی به عنوان مترجم در دستگاه دولتی، خدمت می‌کرد و قرارداد رویترا را ترجمه کرد و کتاب‌هایی در علوم مثلثات، جبر و مقابله‌اعلی، حساب تفاضلی و اصلی، هندسه و هیئت تألیف کرد (شرح حال رجال ایران، ۳۸۳/۴ - ۳۸۷؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۹۰ - ۱۹۱؛ فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ۱۱۶۷/۱؛ وزرای معارف ایران، ص ۴۶ - ۴۹؛ وزیران علوم و معارف و فرهنگ، ص ۱۰۰ - ۱۰۴؛ دایرةالمعارف فارسی، ۲۹۴۱/۲؛ اثرآفرینان، ۳۱۳/۵).

۳. در این گنبد که احتمالاً از آثار قرن دهم هجری و به قولی بعید نیست که قبه نخستین آن از سال ۴۹۵ تا ۵۰۰ قمری ساخته شده؛ اما به طور مسلم در قرن چهاردهم هجری تزیین و تعمیر شده است. شش ←

مؤلف گوید که یاد دارم، در سنه یک‌هزار و سیصد و سی و نه مریض شدم، در حالتی که به قدری مستأصل و پریشان بودم که از جهت قوت لایموت خود محتاج و معطل بودم، به زیارت این امامزادگان، تشرّف حاصل کردم و بعد از عتبه‌بوسی به ایشان توسّل جستّم. در ایوان بقعه مبارکه نشسته و قصیده‌ای در شکایت از روزگار و پریشانی خود، به نظم آوردم، از برکات انفاس قدسیه ایشان شفا یافتم و قصیده این است:

هر که باشد چه من اندر دو جهان آسوده است

وّه عجب روز خوشی روی به من بنموده است

غم بیماری و بی‌یاری و بی‌نایی و فقر

چشم بد دور که اسباب طرب موجود است

نه دوائی، نه غذایی، نه شفایی و نه مرگ

ره چاره ز همه جانب من مسدود است

باد و باران و یخ و برف و زمستان در پیش

نه لباسی، نه اساسی، نه سبب، نه سود است

خانه و فرش و اثاثیه^۱ همه رفت به باد

گویی از روز ازل هیچ یکش نابود است

عوض کرسی و آتش، ملک خازن نار

از جهنّم در چندی به رویم بگشوده است

فقر با فاقه به من عقد اخوت بسته

الم ورنج و غم دهر به من معقود است

→ امامزاده در آن مدفون هستند که همگی از احفاد امام کاظم علیه السلام بوده‌اند و به نظر می‌رسد شاهزاده محمد و حمزه و خالد، پسران ابوجعفر محمد صورانی ابن حسین بن اسحاق بن امام کاظم علیه السلام باشند که در سال ۲۵۵ قمری، در شیراز به دست سعید حاجب به قتل رسید و فرزندانش در بلاد پراکنده شدند و از آن میانه محمد با دو برادر خود به قم آمده و سکونت کرده و متأهل گردیده و صاحب اولادانی به اسامی حسن، قاسم و رقیه گردیده است که رقیه بنت محمد بن محمد صورانی، مادر ابوالفتح مجدالدین محمد بن حسین بن محمد بن علی بن قاسم بن عبدالله بن امام کاظم علیه السلام است که وزیر عراق در زمان سلطنت سلطان محمد بن ملک‌شاه بوده است (گنجینه آثار قم، ۶۹۰/۲). در جهت تالار کتیبه‌ای است سراسری از کاشی به خط نستعلیق سفید در زمینه لاجوردی که روی آن عبارت ذیل خوانده می‌شود: «حسب الامر بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای مهندس الممالک، وزیر فواید عامه - مدّ ظلّه العالی - به سعی و اهتمام سرکار معتمد السلطان حاجی محمد علی خان ناظم المسالک - زیده مجده العالی - اتمام پذیرفت. شهر رجب توشقان‌نیل ۱۳۲۱» که با توجه به تاریخ فوق، مسلم می‌شود اصل بنا از خاتون کدخدا و سال ۱۳۴۳ قمری، چنان که برخی ادعا کرده‌اند، نیست (گنجینه آثار قم، ۶۹۲/۲ - ۶۹۳).

به من از مطبخ دنیا شده مطبوخ حرام
 کرده طبّاخ ز طبخ آنچه نصیبم، دود است
 به یکی قرص جوین گر که قناعت کردم
 گاهی آن هم به جور است و گهی مفقود است
 نان خالی ملک زرق فرستد بر من
 گر فرستد خودش از رازق خود محدود است
 آنچه باشد هوسم نیست بر آن دسترس
 زانکه طالع خوش و اقبال بسی مسعود است
 مال دنیا که به کلیه نموده است فرار
 جیبم از درهم و دینار عجب آسوده است
 بهر من خانه بسیار مقرر گشته
 در مساجد که در آن سجده گه معبود است
 گویی از روز ازل بوده مرا غصه نصیب
 غیر این خالق من قسمت من ننموده است
 هر گناهی که کنم می رود از فرش به عرش
 هر دعایی کنم از جانب حق مردود است
 هر بلایی است ز خالق به خلاق نازل
 از همه صرف کرده به من مورود است
 هر درختی که برش بار عداوت دارد
 از قضا سایه آن بر سر من ممدود است
 آنچه را ناخوشم آید بود اندر بر من
 در گریز است ز من آنچه مرا مقصود است
 دشمنانم ز ستاره عددش افزونتر
 دوستان قدر قلبی عددش معدود است
 بهر هر صاحب روحی است به شب بستر خواب
 چون شود شب تن من روی زمین فرسود است
 گر به بازار روم من ز پی أخذ متاع
 یا زیان است در آن جنس و یا بی سود است

ترسم از اینکه بترکد سرم از شدت درد
مگر در مغز سر من پشهٔ نمرود است
خضم زد زخم زبان و دل من پاره نشد
دل بود این دل من، یا زه داود است
سفر کرب و بلا نیست میسر بر من
که عروج سفرم تا سفر قمرود است
صرف شد عمر عزیزم همه در خدمت خلق
آنکه از خدمت من بهره نبرد معبود است
می‌کنم شکر که محتاج نیم من به عیال
هر که گردد زن من چون زن لوط و هود است
هر چه گویم ملک الموت بیا بالینم
گویدم نوبت تو نبود و حالا زود است
گفت: باید دو سه روز دگری صبر کنی
هر کسی را به زمانهٔ اجلی موعود است
من چه سان قبض کنم روح تو را ای نادان
که نه کافور و نه سدر و نه کفن موجود است
چارهٔ کار کنون سوختن و ساختن است
در ازل ساقی ما باده چنین پیموده است
نیست اینها همگی جز اثر فیض خدا
کز ره فضل و کرم لطف به ما فرموده است
بار الها نظری کن سویم از لطف و ببین
بدنم لاغر و رخساره غبار آلود است
کار بر من به جهان گشت خدایا دشوار
در چه ساعت ز زمانه مگرم مولود است
اینها «المفلس» بیچاره فضولی منمای
حرف‌های تو بود پوچ و همه بیهوده است
دم مزن، پر مگو، آری که تواند بگشود
آن در بسته که فتاح جهان نگشوده است

در ذکر حالات امامزادگانی که در قراء قم واقع است

امامزاده شاهزاده اسماعیل علیه السلام

از امامزاده‌های قدیم است که بقعه او مطاف اهالی این بلد است.^۱ در بالای قریه بیدقان^۲ در میان کوه مضجع او واقع است. آن امامزاده جلیل‌القدر، از نتایج حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است و نسب شریف او از این قرار است: اسماعیل بن احمد بن الحسین بن احمد بن حسن بن احمد بن علی بن امام جعفر صادق علیه السلام می‌باشد و نسب

۱. بقعه و بارگاه امامزاده اسماعیل از بناهای تاریخی و دارای درهای نفیس و کاشی‌های عالی و صندوق مثبت بر روی مرقد و مشتمل بر بقعه و گنبد و رواق و صحن و مسجد است. بنای بقعه، از اثنیه قرن هفتم هجری است که از اساس با مصالح سنگ و گچ بنیان شده و بسیار متین و مستحکم است. نقشه بنا از خارج برجی و از داخل به شکل چهارضلعی متساوی به دهانه ۵/۵۰ و ارتفاع ۴ متر است. ازاره بقعه، آراسته به کاشی‌های خشتی هشت ضلعی کوبی عصر مغول است که فقط ده پارچه آنها باقی مانده که آنها نیز به هنگام تأسیس موزه آستانه حضرت معصومه علیها السلام بدان جا منتقل شده است. در متن این کاشی‌ها، تصویری برجسته از سه سوار است که ماری را در زیر پامی کوبند و کبوتری را بر فراز سر دارند. جدار داخلی بقعه سفیدکاری و تهی از تزئینات کاشی و گچبری است، جز شاه‌نشین جانب شمالی که دارای تزئینات کاشی‌کاری دوره‌های بعد است. در ارتفاع پنج متری هر زاویه، نیم طاقی ساخته شده، به طوری که نقشه مربع را به هشت ضلعی تبدیل ساخته و روی آن به شکل فلکه‌ای (پروضعی) درآمده و بر بالای آن، پاکار گنبد قرار گرفته است. بر فراز بقعه، گنبدی است که به ظن قوی در آغاز امر، عرقچینی یا خودی‌شکل و سنگ‌پوش بوده است و در عصر شاه اسماعیل اول صفوی، هنگام تعمیر، صورت آن را به هرمی شانزده ترکی تبدیل ساخته‌اند. این گنبد به قطر هشت و ارتفاع نه تا ده متر آراسته به کاشی‌های دوالی فیروزه‌ای دوره صفوی بوده که به مرور زمان، عمده آنها ریخته و در دوره اخیر به طرز بدی کاشی‌کاری شده است. بقعه مزبور دارای سه در ورودی است که درهای جنوبی و شمالی آن در ایوان‌های طرفین گشوده می‌شوند و تنها در غربی آن در داخل رواقی طولانی که میانه گنبد با صحن است، باز می‌گردد. این رواق به طول شانزده متر و عرض‌های مختلف و سراسر مسقف و مرکب از سه قسمت متمایز از یکدیگر است و در ابتدای هر قسمتی، دری به کار رفته است. بنای امامزاده دارای منبری به تاریخ سال ۹۲۲ قمری است و تزئینات زیبایی دارد. تعدادی از درهای بنا نیز، احتمالاً متعلق به همین تاریخ است. بقعه دو مرتبه، یک بار در سال ۹۲۰ قمری و در عهد سلطنت شاه اسماعیل و دیگری در سال ۱۲۱۴ قمری و در دوره فتحعلی‌شاه تعمیر و تزیین گردیده است. در این بقعه دو مرقد دیده می‌شود، یکی بزرگ در وسط و دیگری کوچک و در زاویه شمال شرقی مجاور پله شاه‌نشین شمالی مرقد اصلی، مدفن دو تن: شاهزاده اسماعیل و پسر وی شاهزاده حمزه است و مرقد کناری، منتسب به شاهزاده محمد بن موسی الکاظم علیه السلام است؛ اما اهل محل، مرقد کوچک را از آن شاهزاده حمزه می‌شناسند (گنجینه آثار قم، ۲/ ۲۹۷ - ۳۱۱؛ تربت پاکان، ۱۹۰/۲ - ۱۹۴؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۵۵ - ۱۵۶).

۲. در اصل: «بیرقان» و در افواه عامه «بیدقان» شهرت دارد.

او به شش واسطه به امام می‌رسد.^۱

صاحب کتاب عمدة الطالب می‌نویسد که امامزاده اسماعیل را اعقاب بسیار است و متصل به مرقد شریف شاهزاده اسماعیل مرقد امامزاده حمزه است و معروف به «محمد» است که آن امامزاده از نتایج حضرت موسی بن جعفر [ع] است و ایشان هم معلوم نیست که چند پشت [شان] به امام می‌رسد.^۲

شاهزاده اسماعیل بقعه خوبی دارد که مشتمل بر دو ایوان است، گنبدی مرتفع که مزین است به کاشی، و صحنی دارد که مشتمل بر چند حجره است. اناث و ذکور اهالی قم را ارادت به زیارت آن حضرت بسیار است. از یک نفر پیرمرد^۳ موثق مسموع افتاد که مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی مجتهد^۴ صاحب کتاب قوانین - اعلی الله مقامه - از جهت آنکه نسب شاهزاده اسماعیل بر او معلوم نبوده، به زیارت آن امامزاده نمی‌رفتند و مردم را ترغیب و تحریص به تشرف آستان مبارک او نمی‌فرمودند. فرمودند شبی آن امامزاده بزرگوار را در خواب دیدم و دانستم که همان امامزاده است با هیئتی خوش و ریش سفید، روی به من نمودند و فرمودند که خودت که به زیارت ما که نمی‌آیی هیچ، چرا مردم را از زیارت ما منع می‌نمایی؟! از آن سال به بعد، سالی یک مرتبه، به زیارت مبارک آن جناب مشرف می‌شدند و از صغیر و کبیر و غنی و فقیر، اهالی سالی یک مرتبه، در ایام پاییز مشرف می‌شوند. اغلب آنها در آنجا گوسفند قربانی می‌نمایند و پوست و کله او را به خدام بقعه مطهره می‌دهند.

در کتابی به خط میرزا علی اکبر - متولی بقعه خاقان مغفور - دیدم که در سالی که

۱. در این گنبد، سه تن به اسامی شاهزاده اسماعیل و فرزندش حمزه، از احفاد علی بن جعفر عریضی و شاهزاده محمد، از احفاد امام کاظم ع است؛ اما اسماعیل جد سادات ابرقوی یزد و نسبش چنین است: ابو محمد اسماعیل بن محمد الفقیه (مدفون در گنبد علی بن جعفر عریضی) بن حسین شعرانی (جدوعی) بن احمد بن ابی عبدالله حسین الرقی بن احمد بن علی العریضی بن امام جعفر الصادق ع است. ابو محمد اسماعیل نقیب سادات قم بود (گنجینه آثار قم، ۲/ ۲۹۴-۲۹۵ و نک: انوار المشعشعین، ۵۴۲/۱ و ۲۴۱/۲-۲۴۲).

۲. عمدة الطالب، ص ۲۱۶.

۳. در اصل: «پیره مرد».

۴. میرزا ابوالقاسم بن حسن یا محمد حسن شفتی گیلانی قمی معروف به میرزای قمی (۱۱۵۰ یا ۱۱۵۱ - ۱۲۳۱ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مرجع تقلید، محقق، مدرس و شاعر و صاحب کتاب معروف قوانین ملقب به «محقق قمی» و «فاضل قمی».

به ییلاق می‌رفتم، به قریه «مَیْم»^۱ رسیدم. بعد از ماه رمضان بنای آمدن زوآر، به آن مکان شد و در دهم شهر ذی‌القعدة الحرام، دَبَاغی به قریه «مَیْم» آمد، چند بار پوست گوسفند همراه داشت، گفت در این یک ماه و دو روز، دویست و پنجاه پوست گوسفند به خدام بقعه شاهزاده اسماعیل رسیده بود که او را ابتیاع نمودم. بانی اصل بقعه معلوم نیست؛ ولی حسینقلی خان برادر فتحعلی شاه قاجار^۲ در سنه یک هزار و دویست و شانزده که به حکومت کاشان مستقر بود، چون استقلالی در حکمرانی به هم رسانیده بود، در تدارک اسباب سلطنت افتاد؛ چون این خبر به برادرش فتحعلی شاه رسید، لشکر جزاری به دفع برادرش برگماشت. پس از تلاقی طرفین شکست بر لشکر حسینقلی خان روی داده و فرار نمودند؛ چون می‌خواستند خود را به بست مضجع حضرت فاطمه معصومه [ع] برسانند، به قریه بیرقان آمد و در بقعه شاهزاده اسماعیل نذر کرد که اگر جان به سلامتی ببرد، مبلغ دویست تومان، خرج بنای آن بقعه مطهره نماید؛ از آن جایگاه خود را سالمأ به بست کشانید، به توسط والده خودش مهد علیا، خاقان از او درگذشت و در ثانی او را حاکم کاشان نمود. آن مبلغ را گنبدی بساخت و رواق و صحن بنا کرد.

و چون این بقعه شریفه، در میان کوه واقع شده بود و از آب دور بود، در سنه یک هزار و دویست و شصت هجری، حاجی سید جعفر نوش آبادی، در میان صحن او حفر چاهی کرد، حجار از قم و کاشان آمده سنگ می‌بریدند و آن سنگ چنان سخت و صلب بود که در اوایل زرعی ده تومان و در اواخر گرهی یک تومان اجرت بریدن او را می‌دادند و آن سید را چون مکنت اتمام این کار نبود، همه ساله در دهات کاشان

۱. مَیْم از قرای قهستان که اکنون از توابع کهک است و فاصله آن تا کهک ۸ کیلومتر، و تا قم ۳۸ کیلومتر می‌باشد.

۲. حسینقلی خان قاجار، برادر فتحعلی شاه قاجار حاکم کاشان که پس از محمد خان قاجار، او نیز، چون برادرش در تدارک سلطنت بود؛ ولی هنگامی که فتحعلی شاه برادرش به سلطنت رسید، زیر بار نرفت و از در مخالفت درآمد و لوای استقلال برافراشت و فتحعلی شاه سپاهیان را برای سرکوبی وی اعزام کرد. این سپاهیان در راوند با نیروهای چریکی حسینقلی خان درگیر شدند و این درگیری سه روز پی در پی ادامه یافت، تا اینکه عاقبت بیش از صد تن از طرفین که بیشتر آنان از یاران حسینقلی خان بودند، کشته شدند و حسینقلی خان فرار کرد و خود را به مشهد شاهزاده اسماعیل در قریه بیرقان (بیدقان) رسانید و در آنجا متحصن شد. و بالاخره با شفاعت مهد علیا مادرش نزد فتحعلی شاه، وی از او درگذشت و او را کماکان در حکومت اصفهان و کاشان باقی گذاشت (گنجینه آثار قم، ۳۱۲/۲-۳۱۳).

اجاره‌داری می‌نمود؛ آنچه را که فاضل از مثنوئه او می‌شد، خرج این چاه می‌نمود. پس از چند سالی که بیست زرع از سنگ چاه بریده شده بود، آبی به روی کار نیامده و مردم او را منع می‌نمودند. آن سید، مقطوع‌الامید از بیرون آمدن آب شد. شبی را از دل‌تنگی در آن روضه مطهره گریه بسیاری کرد و به خواب رفت. در خواب روح پاک آن امامزاده را مشاهده کرد که ترغیب و تحریص در این کار فرمودند که دست از آن کار بردار که به زودی آب بیرون می‌آید. پس از بیدار شدن دل گرم کرده، مشغول بدان عمل شد. چون دو زرع دیگر حفر کردند، چشمه آبی از طرف امامزاده پدیدار شد، چنانچه آب او تا چهار زرع به بالا آمد. از ابتدای حفر آن چاه تا بیرون آمدن آن آب، دوازده سال طول کشید و او را هیچ‌کس اعانت در این کار نکرد؛ جز آقا خان محلاتی^۱ - که از بزرگان ایران و پیشوای جماعت اسماعیلیه است - مبلغ سی تومان به جهت مخارج این چاه بداد. اکنون بیست و دو زرع عمق آن چاه است که همه از سنگ صلب و سخت بریده شده است؛ منطقه چاه یک زرع است.

در سال یک هزار و دویست و نود و یک، گنبد آن امامزاده خراب شده بود؛ قنبرعلی نامی نوش‌آبادی، او را مرمت نموده و کاشی کرده و مبلغ یکصد و سی تومان، مصارف آن بنایی شده و روضه مطهره را ایوانی است که به طرف قبله، روی آن ایوان است. مقابل این ایوان، در سمت شمال، روضه مطهره حاجی میرزا سید

۱. آقا خان محلاتی اول، محمد حسن حسینی معروف به «حسنعلی شاه» و ملقب به «آقا خان اول» ابن شاه خلیل‌الله معروف به «سید کهکی» (۱۲۱۹-۱۲۹۸ ق)، رئیس فرقه اسماعیلیه نزاری، از درباریان دوره قاجاریان.

وی پس از کشته شدن پدرش شاه خلیل‌الله، بر اثر لطف فتحعلی شاه قاجار، با یکی از دختران شاه وصلت کرد و حکومت قم و محلات به مدت دو سال به وی سپرده شد و در روزگار وزارت حاج میرزا آقاسی، عهده‌دار حکومت کرمان و بلوچستان شد؛ اما به دلیل خصومتی که میان وی و حاج میرزا آقاسی بود، در زمان جنگ هرات، وی در قلعه بم، متحصن شد، اما تاب مقاومت و پایداری نیاورد و تسلیم شد و پس از عفو شاه، حاج میرزا آقاسی از پاننشست و فعالیت خود علیه آقاخان را شدت بخشید. آقا خان به ناچار، خانواده خود را به بهانه زیارت عتبات به آن دیار فرستاد و خود راهی بلوچستان و کرمان شد و با حمایت دولت انگلیس، اسنادی دایر بر انتصاب خود به حکومت کرمان به اطراف فرستاد؛ اما در این کار شکست خورد و رهسپار هند گردید و در بمبئی سکونت کرد و آنجا را مرکز فرقه اسماعیلیه ساخت و در همان‌جا درگذشت. او کتابی به نام هبرت‌افزا نوشته است (تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۷۴-۵۹۱، ۶۱۰-۶۱۲؛ حدیقه الشعراء، ۱۲۰۸/۲-۱۲۱۴؛ شرح حال رجال ایران، ۳۵۴/۱-۳۵۸؛ مکارم الآثار، ۶۶۲/۳-۶۶۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۱۲/۱؛ اثر آفرینان، ۴۸/۱-۴۹).

حسین - متولی باشی بقعه حضرت معصومه علیها السلام -، ایوان دیگر را از پول موقوفه آن حضرت بنا فرمودند.

روضه مطهره به واسطه ایوانی که به طرف شمال ساخته شد، روشن و باصفا گردید.

امامزاده سلطان علی بن محمد الباقر علیهما السلام^۱

مضجع مطهر این امامزاده واقع است در قریه مشهد من قراء اردهال^۲، از نبایر

۱. در اصل: علی بن جعفر الصادق علیهما السلام آمده است که قطعاً اشتباه است؛ زیرا امامزاده سلطان علی فرزند امام محمد باقر علیهما السلام است و عجیب است که با همه اشتها، مؤلف او را فرزند امام جعفر صادق علیهما السلام نوشته است. به هر حال در جلالت قدر و عظمت منزلت علی الطاهر بن امام محمد الباقر تردیدی نبوده، از اینکه علمای انساب، وی را از اصحاب امام صادق علیهما السلام خوانده‌اند، اعتراف وی به حق امام زمان خود نیز، ثابت می‌شود.

در مورد محل دفن وی اختلاف نظر است، چنان که گروه بسیاری از مورخان و نسب‌شناسان محل دفن وی را در «جعفریه بغداد» و شماری هم جایگاه و مدفن او را در «بارکسب اردهال» که به «مشهد بارکرز» یا «مشهد اردهال» معروف است، دانسته‌اند.

متقدمین علمای انساب از جمله سید تاج‌الدین بن زهره حسینی در کتاب خویش غایة الاختصار نوشته است که علی بن محمد الباقر علیهما السلام را جز دختری فاطمه نام، فرزند وی نبود که او را هم امام کاظم علیهما السلام به عقد خود درآورد و مقبره‌اش در محله جعفریه بغداد در ظاهر سور قرار دارد که در زمان ما مخروبه شده و مسکن فقیران گشته و طولی نخواهد کشید که آثار آن هم محو می‌گردد (غایة الاختصار، ص ۱۰۲-۱۰۳). مورخ مشهور محب‌الدین ابن نجار در تاریخ خویش، از کشف قبر وی در جعفریه بغداد، خبر داده و نوشته است که در محله جعفریه، قبری قدیمی کشف گردید که بر فراز آن لوحی از سنگ افتاده بود و روی آن عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم هذا ضريح الطاهر علی بن محمد الباقر ابن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام» حجاری شده بود و قسمت‌های پایین آن محو، و غیر قابل قرائت می‌نمود، پس شیعه کرخ بر روی آن ساختمانی از خشت و گل بنا کردند که به مرور فرسوده و مخروبه شده بود، تا اینکه علی بن نعیم شیخی از مستوفیان و کتاب دیوان که مردی شیعی و متدین بود، به جای آن، قبه جدیدی بنا نهاد؛ اما اکنون اثری از آن مشهود نیست (الاصیلی، ص ۱۴۷-۱۴۸. به نقل از ابن نجار). سایر کتب انساب درباره مدفن علی بن محمد الباقر علیهما السلام سکوت کرده‌اند (الارشاد مفید، ۱۷۶/۲؛ رجال شیخ طوسی، ص ۲۴۴؛ الشجرة المباركة، ص ۷۵؛ نسب قریش، ص ۱۹۲؛ جمهرة انساب العرب، ص ۵۳؛ تذکرة الخواص، ص ۱۹۲).

از میان قدما، نخستین کسی که به دفن وی در مشهد اردهال تصریح کرده است، شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب النقض خویش است. او نوشته است: «عمارت مشهد امامزاده علی بن محمد الباقر علیهما السلام به «بارکرز» که مجدالدین فرموده است در آن حدود بازینت و عدت و آلت و رونق و وفور و برکات و اوقاف بسیار و آن را همه سلاطین و ملوک و امرا و وزرا، خریدار و معترفند. پس از او قاضی نورالله، افندی و صاحب روضات الجنات، به استناد نوشته رازی، همگی بر دفن وی در مشهد اردهال، تأکید کرده‌اند (نک: النقض، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ مجالس المؤمنین، ۸۷/۱؛ ریاض العلماء، ۲۱۶/۴-۲۱۷؛ روضات الجنات، ۲۱۲/۴؛ الكواكب المشرقة، ۶۱۷/۲-۶۱۸؛ انوار المشعشعین، ۲۱۱/۲-۲۱۴؛ تاریخ زندگانی امامزاده جلیل‌القدر حضرت سلطان علی، مدنی کاشانی، ۱۴۰۳ ق).

۲. در اصل: «اردحال».

و نتایج حضرت امام محمد باقر علیه السلام^۱ است؛ اما معلوم نیست که چند پشت [شان] به امام می‌رسد.^۲

سالی یک مرتبه در روز سیزدهم ماه میزان به شرطی که آن روز جمعه باشد؛ اهالی قریتین «فین» در آن قریه حاضر می‌شوند، در صحن امامزاده سلطان علی، انجمن کرده. یک نفر در آن صحن بالای منبر رفته، اشخاص چندی را از اهالی دهات قم و کاشان به

۱. در اصل: «امام جعفر صادق».

۲. آرامگاه امامزاده سلطان علی بن امام محمد باقر علیه السلام در ۴۲ کیلومتری کاشان و حدود سی کیلومتری دلیجان و بیست کیلومتری نراق در مشهد ارده‌ها واقع شده است. بنای امامزاده در مساحتی قریب به سه هزار متر مربع شامل حرم، ایوان، صحن، گنبد، گلدسته و حمامی تاریخی است. بنای اصلی امامزاده ظاهراً مربوط به زمان آل بویه و تکامل آن از جهت صحن، حمام، آب‌انبار، رباط، سردر و مسجد و الحاقات دیگر، از آثار مجدالدین - وزیر سلجوقی - در سال ۵۳۲ قمری است.

در زمان شاهرخ تیموری در سده نهم هجری، تعمیرات و اضافاتی در این بنا صورت گرفته و در دوره شاهان صفوی - شاه طهماسب، شاه عباس اول و شاه سلطان حسین - نیز، تعمیرات و تزییناتی بر روی بنا انجام شده است. در این بنا، چهار زوج در مثبت‌کاری از زمان شاهرخ تیموری و سلاطین صفوی به جای مانده که تاریخ‌های ۷۳۰، ۹۵۰، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷ قمری، در آنها مشهود است. در زمان قاجاریه نیز، ماشاءالله خان کاشی، در ضلع شرقی صحن و ایوان، دو گلدسته بلند و دو گلدسته کوچک ایجاد و به بنای قدیم الحاق کرده که پوشش این گلدسته‌ها با کاشی‌های الوان است.

این آرامگاه دارای سه صحن متعدد است. صحن جنوبی آنکه به صحن صفا معروف است، دارای چند حجره و ایوانچه‌های کوچک متعددی است که متعلق به دوران سلجوقی و مغول است. سقف ایوان جنوبی (ایوان صفا) دارای نقاشی و دو گوشواره مقرنس‌کاری است و بر کتیبه گچی سرتاسری آنکه مربوط به دوره شاه سلطان حسین صفوی است، سوره دهر و صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده است. دو صحن دیگر که به صحن قمی‌ها و سرداری معروف است، مربوط به دوران قاجار است، داخل بقعه و ایوان صفا، همان‌طور که ذکر شد، کتیبه‌ها و نقاشی‌های بسیار زیبایی از دوره صفوی وجود دارد. سر در ورودی، آینه‌کاری است که به واسطه ریختگی قطعه‌ای از وسط آن، کتیبه کاشی معرقی عالی به نام شاه طهماسب از زیر گچبری ظاهر شده است. گنبد مدور، مربوط به عهد سلجوقی است که پوشش روی آن در دوره‌های بعدی با خشت و کاشی زرد طلایی‌رنگ و بانقش و نگار اسلیمی و گل و بوتة الوان تزیین شده است، اما ساقه گنبد با کاشی معرقی بسیار زیبا، در دوره صفوی مقرنس‌کاری شده است. همچنین در کتیبه زیر مقرنس‌ها، سوره فتح به خط ثلث سفید بر زمینه آبی لاجوردی ثبت شده و پایین آن هم کتیبه دیگری با کاشی سبز و سرمه‌ای، به خط کوفی با نوشته: «لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله» در ۱۶ ترک پایه تکرار شده است. دو گلدسته مرتفع دو گوشه ایوان بزرگ و مناره‌های کوچک طرفین آن، با کاشی‌های معرق عهد قاجاریه پوشیده شده است. در کتیبه گچی دور سقف، سوره قرآنی به خط ثلث سفید بر متن لاجوردی نگاشته شده است و در پایان آن عبارت «کتبه محمد مقیم الموسوی ۱۱۱۸» خوانده می‌شود. این بنا تحت شماره ۳۹۹ به ثبت تاریخی رسیده است (راهنمای آثار و بناهای تاریخی شهرستان کاشان، ص ۱۷ - ۱۹؛ بناهای تاریخی کاشان، فرخ‌یار، ص ۳۳ - ۳۴؛ آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، ص ۱۲۵ - ۱۳۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۲۸ - ۱۲۹؛ گنجینه آثار قم، ۶۴/۲ - ۹۴ که به تفصیل در مورد گنبد و بارگاه مشهد ارده‌ها نوشته است).

اسم و قریه مذکور نموده و لعن می نمایند. اشخاصی که در پایین منبر نشسته‌اند جمیعاً متابعت او می‌کنند و لعن می‌نمایند و اعتقادشان این است که ملعونین مردمانی هستند که به عداوت این امامزاده برخاسته‌اند و شرکت در قتل او و اصحاب او داشته‌اند، چون لعن تمام شود، وجه نقد کمی به متولی‌باشی آن امامزاده نیاز کرده، یکی از قالیچه‌های آن امامزاده را که در میان رواق مطهر افتاده برمی‌دارند و بر سر دست گرفته، به اجماع از صحن بیرون آمده، در پایین صحن امامزاده به فاصله سیصد قدم نهر آبی است، این قالیچه را نزد آن نهر برده، چوب‌های خود را که در دست دارند، به ضرب به آن آب می‌زنند که به قالیچه ترشح کند، چون آن قالیچه مترشح شود به همان حالت اول به سر دست گرفته، مراجعت می‌نمایند و در روضه مطهره می‌گذارند و پی کار خود می‌روند.^۱

اما اهالی قریتین فین که مهتای این کار و سبب این عمل می‌باشند، نعوذ بالله اگر یک

۱. در اصل: «میرند». تاریخ آغاز این مراسم به درستی معلوم نیست؛ اما قدر متیقن این است که این مراسم از اواسط سده نهم و عصر ابوالعزیز یوسف بن شاهرخ شاه، بنا به سیاست محلی آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است، منتها نقارخانه‌های سه گانه مشهد چندی است که تعطیل شده است، در صورتی که قرن‌ها در موسم قالی شویان نواخته می‌شدند.

«از بامداد روز سیزده میزان که روز جمعه است، جمعیت زیادی با اتوبوس، مینی‌بوس، سواری و سایر وسایل نقلیه، پی در پی وارد محوطه اطراف مشهد اردهال می‌شوند و میانه مشهد تا سرچشمه سلطان حسین را فرا گرفته چندان که سراسر منطقه را انبوهی از جمعیت فرا می‌گیرد و تمام صحن‌ها و بام‌ها مملو از تماشاچیان بوده و هیئت رؤسای محلی کاشان و محلات در حجرات صحن عتیق مجتمع و در محوطه صحن هم بیش از هزار تن از مردم فین گرد می‌آیند، در حالی که هر یک چوب سفید بلندی را همراه دارند. حدود ساعت ده خطیبی بر فراز پله‌های صفا و صفا بالا می‌رود و به انشاء اشعاری حاکی از لعن بر مخالفین با صدای رسایی که با بلندگو تقویت می‌شود، می‌پردازد و جمعیت یک‌صدا و بلند «بیش‌باد» می‌گویند.»

خطبه‌ای که توسط خطیب خوانده می‌شود، ابیاتی است به صورت مسدس که بوی قدمت از آنها استشمام نمی‌شود؛ زیرا کلماتی چون چنار آران، منار کاشان، بی‌عاران تهران، اشجار توت شمیران، جاروب فراش، کله قاطر حکیم‌باشی، تبر نباشی و درفش کاشی را که حواله مخالفین می‌کنند، قدیمی نیستند. در عین حال این ابیات متضمن شواهد تاریخی و جلوه گاه سنت محلی است که در هیچ کتابی نقل نشده و نسخه اصل آن در اختیار مردم فین کاشان قرار دارد که به دیگران نمی‌دهند و فیض بخشی از آنها را با حذف عبارات مستهجن و ضد عفت عمومی در دو صفحه آورده است.

در روز جمعه سوم پاییز نیز، مراسمی تحت عنوان روز هفت توسط مردم نشلج انجام می‌گیرد که با پای برهنه و سینه‌زنان از نشلج تا مشهد اردهال می‌آیند و تا عصر در آنجا تعزیه‌داری می‌کنند و مقارب غروب باز می‌گردند (گنجینه آثار قم، ۵۹/۲ - ۶۳).

نفر که غیر از اهالی خودشان باشند، جمیعاً مکمل و مسلح با آلات حربیه از تفنگ و قمه و چماق می‌باشند، هنگام بردن بر سر آب یا برگردانیدن، دست به آن قالیچه دراز کند، فی الفور با او به عداوت برمی‌خیزند و او را زخم زده، به قتل می‌رسانند. چنانچه شخصی نقل کرد که در سی سال قبل به همین جهت قتلی اتفاق افتاد، از جهت رفع این فتنه، اغلب سال‌ها حکام قم یا کاشان، اندر آن ایام در آن مکان بنفسه حاضر می‌شوند، اگر خودشان نروند، ناچار کسی را می‌فرستند که مواظبت داشته، دعوا نشود.

قریب سه هزار نفر از اهالی فین و اطراف فین، در آنجا حاضر هستند، هم بدین واسطه قریب پنج-شش هزار نفر از دهات قم و کاشان و غیره از کاسب و تماشایی، همه ساله حاضر می‌شوند.

مؤلف گوید: از میرزا سید حسین خان تفرشی شنیدم که در ایوان بقعه امامزاده سلطان علی، دخمه‌ای است. چند سال قبل به اتفاق اعتضادالدوله - حکمران قم و کاشان - بدان بقعه طاهره مشرف شده بودیم، حکایت کرد که من و دو-سه نفر دیگر در آن دخمه رفتیم، اجسادی دیدیم تازه که سرهای ایشان را بریده بودند و می‌گویند آنها از اصحاب آن حضرت می‌باشند که در اینجا به جهاد کشته شده‌اند و در آنجا دفن شده‌اند و از آن زمان الی اکنون جسدهای ایشان تازه است و احادیث و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام در مدح «اردهار»^۱ بسیار وارد شده [است].^۲

۱. در اصل: «اردحار».

۲. اردهال نیز از دیدگاه ائمه دین جزو اراضی معدوحه است و توصیه شده که در هنگام بروز بلا یا و فتن، به عنوان مهد امنیّت معرفی و در روایتی آن را با قم هم‌ردیف ساخته و گفته‌اند: «فعلیکم بقم و حوالی‌ها و الاردهار». چنان که امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام ضمن گفتگویی با میهماندار خواهرش فاطمه معصومه علیها‌السلام در قم به نام موسی بن خزرج، از وی می‌پرسند که اردهال را می‌شناسی، عرض می‌کند: من در آنجا مزرعه‌ای دارم، امام به وی تا سه نوبت می‌فرماید: «نعم الموضع الاردهار فالزم به و تمسک به»؛ خوب موضعی است اردهال، به آن اهمیت بده و به آنجا متمسک شو (بحار الانوار، ۲۱۵/۶۰ یا ۲۱۴/۵۷؛ تاریخ قم، ص ۹۰-۹۱؛ خلاصه البلدان صفی‌الدین قمی، ص ۶۰-۶۱).

امام علی علیه‌السلام در خطبه ملاحم که پس از جنگ جمل انشا کرده، در مورد پناهنده شدن مردم قم، به کوه‌های اردهال خبر داده است (نک: بحار الانوار، ۲۱۵/۵۷، چاپ جدید بیروت، ۲۱۵/۶۰).
تولیت این امامزاده و حضرت معصومه علیها‌السلام در زمان حکومت اوزون حسن آق‌قویونلو به عهده سید نظام‌الدین سلطان احمد و سید کمال‌الدین عطاءالله از رضویان قم بوده است. متن فرمان مورخ شعبان ۸۷۴ در این باره در کتاب تربت پاکان، ۲۰۶/۱-۲۰۹، به تفصیل آمده است.

امامزاده شاهزاده اسحاق علیه السلام^۱

مضجع مطهر او در قریه میم، در زمین‌های قنوات آب بالای میم واقع است. اسم پدر و جد این امامزاده را نمی‌دانم و مدرک صحیحی از او در دست [نیست]؛ ولی حالات او را در کتابی خطی به این طریق نوشته بود، بنده هم به عبارت می‌نویسم که محل دفن این امامزاده در سابق بر این آباد نبوده [و] با آنکه در وسط زمینی واقع شده بود که اطراف او همه راکشت و زرع می‌نمودند، آن مکان راکشت و زرع نمی‌کردند. در سنه یک‌هزار و دویست و هشتاد، مرد متدینی از اهل آن قریه، شیخ کاظم نام مذاکره می‌نمود که این مکان، محل دفن امامزاده است، اهالی آن قریه، حرف او را مطابق واقع نمی‌دانستند و با او همراهی نکردند، بالاخره گفت: خوابی دیده‌ام که مأمور به حفر این مکان شده‌ام که در مقارن این حال، آقا سید عبدالعلی نائینی، کتابی داشت در حالات آمدن آن امامزادگان، به آن مکان. آمد و گفت: این محل، قبر امامزاده است. چند نفر را با خود همدست کرده، آن زمین را کاوش نمودند، چون سه ذرع حفر نمودند، یک نفر از آن مردم که حفر می‌نمودند، کلنگ را به زمین زد، سوراخی پدیدار شده، چون بدان سوراخ نظر کرد، جسد میتی را دید که سر آن کلنگ به صورت آن میت خورده بود، به طرزى که

۱. علت نامگذاری این امامزاده به «شاه اسحاق» و علت انتساب وی به «امام کاظم علیه السلام» روشن نیست. عباس فیض از تاریخ فیض مطالبی درباره این امامزاده نقل کرده است و احتمال دارد این کتاب، همان «کتاب خطی» باشد که صاحب *تحفة الفاطمیین* از آن نام برده و مطالب خود را عیناً از آن نقل نموده است. به هر حال، تاریخ فیض در باره اصل و نسب این امامزاده مطلبی نیاورده و ظاهراً قصد داشته که مطالبی بر نوشته‌های خود در مورد این امامزاده بیفزاید؛ اما عمرش وفا نکرده و مجال نیافته است. اگر مسلم شود که این بقعه مدفن اسحاق است، می‌توان ادعا کرد که وی برادر «محمد فقیه» و فرزند «موسی بن اسحاق عسکری» باشد. گنبد و بارگاه شاهزاده اسحاق، در میانه باغ‌های «آب بالای میم» از قراء قهستان قم، در پنج فرسنگی شهر واقع شده است و پیدایی آن مبتنی بر رؤیای یکی از اهالی محلی بوده است؛ چنان که در تاریخ فیض به تفصیل آمده است و مؤلف نیز، به آن اشاره کرده که شیخ کاظم نامی که فرد متدینی از اهل این قریه بوده، در سال ۱۲۸۰ قمری، اظهار داشته که در این مکان امامزاده‌ای به نام «اسحاق» مدفون است؛ اما اهالی قریه میم، به سخنان وی وقعی نگذاشتند و او را تأیید نکردند و او روزی دیگر به مردم می‌گوید که خوابی دیده مبنی بر اینکه در اینجا امامزاده‌ای مدفون است و در عالم رؤیا مأموریت یافته که این مکان را حفر کند و چند نفر را با خود همراه کرده و به حفر این مکان می‌پردازد و چون به مقدار سه ذرع حفر می‌کنند، ناگهان در زیر نیش کلنگ یکی از کارگران، منفذی نمودار می‌گردد و جسد میتی پدیدار می‌شود که صحیح و سالم مانده بوده و سر کلنگ همان کارگر، به صورتش اصابت کرده و مجروح ساخته است. کفن وی نیز، سالم باقی مانده است (گنجینه آثار قم، ۷۴۳/۲). البته روایت فیض با آنچه مؤلف این کتاب نوشته است، کمی تفاوت دارد که ملاحظه می‌فرمایید.

صورت او را مجروح کرده بود و اعضای جسد، به هیچ وجه عیب نکرده بود، حتی کفن او. و از عجایبات اتفاقات این فقره است که این مردی که سر کلنگ به صورت آن میت فرود آورده بود، به صورت آن مرد، به همان موضع جراحی پدیدار شد که صورت او را سوراخ نمود، قریب ده سال بعد از آن، آن مرد زندگانی کرد و تا آخر عمر، آن سوراخ ملتئم نشد، متصل تلایه پس می داد، اهالی آن قریه چون جسد آن امامزاده را ملاحظه نمودند، بی عیب است، آن مکان را عمارت نموده، بر سر مزار او بقعه‌ای ساختند.^۱ و اعتضادالدوله^۲ - حکمران قم - ده تومان به جهت بنایی آن مکان بدادند که خرج بنائی آنجا شد.

امامزاده شاهزاده فاضل علیه السلام

بقعه این امامزاده واقع است در بالای کوهی که مشرف به قریه «بیدهند» است که در شش فرسخی قم واقع است و این بقعه هم مخروبه بود که بعضی از آثار او برقرار بود، در سنه یک‌هزار و دویست و شصت و یک، اهالی این قریه، به خیال اینکه این مکان مضجع امامزاده است آن جایگاه را کاوش نمودند که شاید علائمی از مضجع امامزاده به دست آید، پس از اینکه پنج ذرع از آن مکان را حفر نمودند، جسدی پیدا شد و چند دانه شمع

۱. تاریخ فیض چنین نوشته است: «مضجع او در زمین‌های قنات آب بالای میم واقع است که این بنده محرر مکان آن را پیش از آبادی دیده بود». عباس فیض در کتاب خود نوشته است: «بقعه شاهزاده اسحاق خشت و گلی و به شکل مربع و از داخل به دهانه چهار در چهار و ارتفاع شش متر، با چند درب خروجی و جدار سفیدکاری و تهی از تزئینات هنری و فاقد مزایای فنی است. در وسط بقعه ضریحی مشبک از چوب و در دل آن مرقدی است کاشی‌کاری فیروزه‌ای جدید و تعمیری که بدون کتیبه است.

بر فراز بقعه گنبدی است عرقچینی که روی آن کاهگل مالی شده است و در برابر هر درگاه ایوانی با جدار سفیدکاری و ساده ساخته شده است و در محوطه جلو بقعه یا گورستان آن حوضی است و در کنار آن درخت چنار کهنسال و تنومندی است که همزمان بنیان بقعه غرس شده است؛ چه که قطر آن از سه متر افزون است» (کنجینه آثار قم، ۷۴۳/۲، ۷۴۴؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۵۲).

۲. اعتضادالدوله پسر میرزا محمد خان قاجار سپهسالار، به تناوب حکومت‌های کاشان، قم، ساوه، نهاوند و زرند را از جانب ناصرالدین شاه به عهده داشت؛ اما به تدریج در سال‌های آخر، حکومت او را منحصر به کاشان نمودند و حکومت دیگر مناطق را از وی گرفته و به دیگران به عنوان «نان‌خانه» دادند که از آن جمله در سال ۱۳۰۶ قمری، ساوه و زرند و ریاست ایل شاهسون را به امین حضور دادند (شرح حال رجال ایران بامداد، ۳۴۶/۲؛ تربت پاکان، ۳۵۰/۲).

پیه که رنگ او سبز بود، در میان خاک پدیدار شد، سپس مردمان بامکنت آن قریه، این بقعه را به این طرز ساختند و شاهزاده فخرالملوک زوجه میرزا مهدی خان اعتضادالدوله، در سالی که به عزم بیلاق، به قریه بیدهند رفته بود، مبلغ پنجاه تومان، به جهت مصارف بنایی آن بقعه مطهره مرحمت فرمودند و ندانم که این امامزاده از اولاد کدام امام است.^۱

۱. گنبد و بارگاه شاهزاده فاضل، از آثار سال ۱۲۶۰ یا ۱۲۶۱ قمری است که بر فراز کوه کوچکی مخروطی شکل در خارج دهکده بیدهند واقع شده است.

عباس فیض به نقل از تاریخ فیض درباره اکتشاف و احداث این بقعه چنین نوشته است: «امامزاده شاهزاده فاضل، در بالای کوهی که مشرف به قریه بیدهند است. بنای مضجع او شده، چون قریه بیدهند، تیول بقعه خاقان فتحعلی شاه بود، بدین جهت آن قریه در دست والد محرز و این بنده محرر بود، هم در آن قریه این بنده بسیار عبور می نمود و مکان این بقعه خرابه و بعضی از آثار آن برقرار بود، در سنه یک هزار و دویست و شصت ... مردم بامکنت قریه، این بقعه را بساختند.»

سپس عباس فیض می افزاید که به هر صورت این بقعه مصفاً و خوش منظر بر فراز کوهی و متشکل از یک بقعه و چهار ایوان و چهار حجره در زوایا و چهار غرفه بالای حجرات و در محوطه ای ۱۵ در ۱۵ متر واقع است و قاعده گنبدش از خارج و داخل، چهار ضلعی متساوی، به دهانه پنج و ارتفاع هفت متر، با جدار سفیدکاری تهی از تزیینات هنری است و در میانه بقعه، ضریحی و مرقدی است که بر توصیف بیشتر آن حاصلی مترتب نمی باشد و تسمیه اش به نام فاضل، بدان جهت است که نام و نسبش، به کلی مجهول و متکی به توهم بوده است (گنجینه آثار قم، ۷۴۲/۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۹۸؛ تربت پاکان مدرسی، ۱۸۸/۲).